

The relationship between science and knowledge with moral virtues and vices according to Mulla Sadra

Hosein Farashiani*

Abbas Javareshkian**, Ali Haghi***, Seyed Morteza Hosseini****

Abstract

mollasadra following say the study of science in two ways: 1 - way of discovery and acquisition. 2 - Way of inspiration and inspiration. the method of discovery is the method of teaching and teaching and attention to reasoning that is a general way, and every one has its own limitations. But the path of inspiration and inspiration is the way God makes the light of science to the human heart, patriarchs and اوليا are in this way. In this way science is achieved with the purification and abstraction that the difference between the two sciences is the difference between the description and the taste, which through the acquisition of a person hears the sweet and learns it, but it tastes sweet by inspiration and inspiration. in order to obtain knowledge from the way of purification of knowledge through the purification of the self, mollasadra has a special importance, and it recognizes the inspiration and inspiration of inspiration to the prophets and the parents. the aim of this study is to investigate the ratio of knowledge and knowledge with the virtues and virtues of morality. therefore in this study, the relationship of science and practice, knowledge of science and knowledge with the virtues of science and vice of vice

* PhD Student in Transcendent Wisdom, Ferdowsi University of Mashhad
(Corresponding Author), far946@yahoo.com

** Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Wisdom, Ferdowsi University of Mashhad,
javareshki@um.ac.ir

*** Assistant Professor, Department of Islamic Philosophy and Wisdom, Ferdowsi University of Mashhad,
haghi110@yahoo.com

**** Professor, Department of Islamic Philosophy and Wisdom, Ferdowsi University of Mashhad,
m_shahrudi@yahoo.com

Date received: 27.05.2020, Date of acceptance: 03.10.2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۱۳۴ پژوهش‌های علم و دین، سال یازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹

Keywords: Gnosis, Jewish Gnosticism, Salvation, Union.



نسبت علم و معرفت با فضایل و رذایل اخلاقی از نظر ملاصدرا

حسین فراشپانی*

عباس جوارشکیان**، علی حقی***، سید مرتضی حسینی شاهرودی****

چکیده

ملاصدرا با الگو گرفتن از معصومین(ع) تحصیل علم را به دو طریق می‌داند: ۱- راه کشف و کسب. ۲- راه انکشاف و الهام. راه کشف، روش بحث و تعلیم و تعلم و توجه به استدلال‌های برهانی و منطقی است که راهی عمومی است و هر کس به اندازه‌ی تلاش خود از این علم بهرمنده می‌شود. اما راه انکشاف و الهام راهی است که خداوند، نور علم را به قلب انسان اشراق می‌کند، علم انبیا و اولیا از این راه است. در این راه علوم با تزکیه و تجرید نفس حاصل می‌شود که تفاوت این دو علم، فرق بین وصف و ذوق است، که در طریق اکتسابی شخص وصف حلاوت را می‌شنود و آن را فرا می‌گیرد، اما در طریق انکشاف و الهام، شیرینی را می‌چشد. ملاصدرا برای طریق تحصیل دانش از راه انکشاف که از طریق تهذیب و تصفیه‌ی نفس حاصل می‌شود، اهمیتی ویژه قائل است و آن راه، راه غیبی و الهام باطنی می‌خواند و مرحله‌ی کمال الهام را مرحله‌ی وحی انبیا و اولیا می‌داند. هدف از این پژوهش بررسی نسبت علم و معرفت با فضایل و رذایل اخلاقی از نظر ملاصدرا می‌باشد. بنابراین در این پژوهش، رابطه علم و عمل، مساوت علم و معرفت با فضایل اخلاقی و فضیلت بودن علم و رذیلت بودن جهل و... از نظر ملاصدرا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

* دانشجوی دکتری حکمت متعالیه، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، far946@yahoo.com

** دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، javareski@um.ac.ir

*** استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، hagi110@yahoo.com

**** استاد گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، m_shahrudi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۲

کلیدواژه‌ها: ملاصدرا، علم و معرفت، فضایل اخلاقی، رذایل اخلاقی

۱. مقدمه

معرفت حقیقی از دیدگاه ملاصدرا علم و یقین مطابق با واقع است. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ج ۱/۹۰) از نظر وی علم و معرفت دارای مراتب علم یقین یا علم برهانی و عین یقین یا علم شهودی و حق یقین یا اتصال وجودی به خداوند می باشد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۴: ج ۲/۲۸۲) ایشان تعریف علم را بیشتر امری شهودی و قلبی و از شئون وجود می داند و نه داخل در مقولات جوهر و عرض. (آشتیانی، ۱۳۴۰: ۱۰۰) همچنین در بیان چستی فضیلت و رذیلت از دیدگاه دانشمندان اسلام از جمله ملاصدرا، فضیلت عملی است که در رساندن انسان به کمال تاثیر فراوان دارد، بر این اساس هر عملی که انسان را به سمت کمال ببرد فضیلت، و در غیر اینصورت و با تاثیر اختیار و اراده در آن، رذیلت محسوب می شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۸۴) ایشان افضل فضایل را حفظ معرفت نفس، حفظ حیات بدن و حفظ اموال اشخاص می دانست و اعظم کبایر و رذایل را، موانع معرفت خداوند، گرفتن حیات نفوس و موانع معیشت مردم، معرفی می کند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۲: ۵۷۴) وی درباره رابطه علم با وجود، معتقد است که علم، امری سلبی و یا اضافی و یا حتی بالقوه نیست، بلکه علم امری بالفعل وجودی می باشد، و باز نه هر وجود بالفعلی، بلکه وجود بالفعل خالصی که مشوب به عدم نباشد. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ج ۳/۲۹۷) بنابراین از نظر صدرا علم و معرفت از سنخ وجود و مساوق با آن است. (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ج ۱/۹۵) همچنین وی درباره رابطه فضایل و رذایل با وجود، معتقد است که هر چیزی که در نفس انسان به صورت ملکه درآمده باشد، یک صفت وجودی است و در نتیجه کمال محسوب می شود، او معتقد است که رذایل نیز در نفس انسان به حالت ملکه در می آیند، بنابراین رذایل نیز جزو صفات وجودی انسان به شمار می روند، از این جهت تفاوتی که بین رذایل و فضایل وجود دارد، این است که تحقق رذایل در وجود انسان باعث از بین رفتن دیگر کمالات می شود، اما تحقق فضایل در نفس انسان، او را به کمال نزدیک تر می کند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳: ج ۴/۲۰۵) البته ایشان در آثار دیگرش رذایل را حزو امور عدمی و فقدان ذات شیئی دانسته است. (صدرالدین شیرازی، ج ۵/۵۸۷) وی همچنین با توجه به آیات و روایات، سعادت انسان را در تکامل عقل نظری می داند، و هدف نهایی از آفرینش انسان را سعادت و کمال او معرفی می کند و در این صورت است که انسان به

نسبت علم و معرفت با فضایل و رذایل اخلاقی ... (حسین فراشینی و دیگران) ۱۲۷

آرامش و کمال دست می یابد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۷: ۱۱۰) ایشان سعادت را محور تمامی مباحث اخلاقی می داند و کمال اصل و ذات نفس، که همان قوه نظری می باشد را، شرف حقیقی انسان به شمار می آورد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸: ج ۱۷۶/۹) وی در رابطه علم با سعادت، معرفت به خداوند را بزرگترین سعادت و ایمان به پروردگار را برترین خوبی ها و شناخت مبدا و معاد را از بهترین علوم می داند و به طور کلی ایشان اساس و پایه هر سعادت را شناخت خداوند و اساس هر بدبختی و شقاوتی را جاهل بودن و عدم شناخت آفریدگار می داند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۴: ج ۵/۵۸۴)

۲. اخلاق ملاصدرا اخلاق فضیلت محور

ملاصدرا اخلاق را علم به اموری می داند که به تنظیم حالت یک شخص در تزکیه نفس و تصفیه ذهن انسان منجر می شود و انسان را مستعد قبول علوم نظری می کند تا بدین وسیله به سعادت حقیقی نایل شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۲: ج ۲۱/۱)

اما یکی از دلایلی که می توان اخلاق ملاصدرا را فضیلت محور معرفی کرد این است که، تقریباً عمده فیلسوفان مسلمان فضیلت محورند، زیرا یکی از منابع اصلی نظرات اخلاقی آنها قرآن و آموزه های دینی است که تاکید بر پرورش فضایل اخلاقی دارند، که این شامل ملاصدرا هم می شود.

دلیل دیگری که ثابت می کند اخلاق ملاصدرا مبتنی بر فضیلت می باشد این است که، بیشتر نظریات اخلاقی فلاسفه مسلمان از جمله ملاصدرا، برگرفته از فلسفه یونان می باشد که رویکرد آنها نیز فضیلت محور است. که این دلیل با بررسی آثار فلاسفه اسلامی به دست می آید.

اما دلیل اصلی که مشخص می کند ملاصدرا اخلاقی فضیلت محور دارد، موضوع اصالت وجود است که بر این مبنا، ملاصدرا وجود را اصیل و مساوق با خیر می داند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۸: ج ۱۹۰/۹) از نظر وی، خیر امری وجودی می باشد که در مقابل آن شر است که امری عدمی است، بنابراین وجود خیر محض است و این بدان معناست که وجود و خیر مساوق با هم هستند، و هر وجودی به خاطر وجود بودنش خیر است، که این مسئله را تنها بر اساس اصالت وجود می توان اثبات کرد. (صدرالدین شیرازی، ج ۱/۳۴۰)

همچنین ملاصدرا شر را امری عدمی می‌داند و آن را فقدان ذات شیء یا فقدان کمالی از کمالات آن شیء می‌داند. (صدرالدین شیرازی، ج ۵۸/۷) این کلام بدین معنا می‌باشد که هر خیری از جمله خیر اخلاقی ریشه در امر وجودی دارد، و شر اخلاقی به امر عدمی برمی‌گردد، و این سخن زمانی معنا می‌یابد که منظور از خوبی و بدی اخلاقی خوبی و بدی موجود در فاعل اخلاقی باشد، یعنی فضایل و مکارم اخلاقی در وجود فاعل اخلاقی، معادل یک وجود کمالی و رذایل اخلاقی، معادل یک فقدان و عدم در او می‌باشد، مثلاً شجاعت، عدالت، حکمت، نشانه کمال و امری وجودی است، ولی ترس، ظلم و جهل، نتیجه عدم و فقدان در وجود فاعل اخلاقی است. بنابراین ملاصدرا معتقد است که رذایل اخلاقی و یا نشیب اخلاقی انسان، نشانه نشیب وجودی او می‌باشد. غضب و حرص و... از نتایج دوری انسان از معدن وجود است. (صدرالدین شیرازی، ج ۱۳۶۲: ۴۶۰/۲)

۳. مساوقت علم و معرفت با فضایل اخلاقی

در پاسخ به اینکه آیا فضیلت اخلاقی نزد ملاصدرا مساوق با معرفت است، می‌توان به کمک مبانی فلسفی ملاصدرا به آن پرداخت.

از نظر وی اصالت با وجود است. (نصر، ۱۳۸۹: ۲۸) و وجود هم مساوق با خیر است. (صدرالدین شیرازی، ج ۱۳۷۸: ۱۹۰/۹) و منظور از خیر نیز در وجود انسانی همان خیر اخلاقی است، پس نتیجه اینکه وجود، مساوق با علم است. (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۹۵) بنابراین جهان وجود و معرفت و فضیلت اخلاقی، یکسره با یکدیگر منطبق می‌باشند، و چون ملاصدرا وجودی می‌اندیشد، این وجود، مانند بازویی میان اخلاق و علم قرار می‌گیرد. پس در واقع، وجود، واسطه و رابط میان فضیلت‌های اخلاقی و علم و حکمت است.

اگر به رابطه میان وجود و اخلاق از دیدگاه ملاصدرا نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد که انسان با اخلاقی تر شدن، وجودی فربه‌تر و شدیدتری یابد و از سوی دیگر، با فربه‌تر شدن و قوت یافتن وجودی، اخلاقی‌تر می‌شود. بنابراین حکمت و علم با فضایل اخلاقی مساوق هستند و در نتیجه باعث بسط وجودی انسان می‌شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۳۴۰)

۴. رابطه علم با معلم بشری از نظر ملاصدرا

ملاصدرا درباره ی رابطه علم با معلم بشری، معتقد است که نفوس انسان ها از جهت تیرگی و پاکی با یکدیگر تفاوت دارند، بعضی از نفوس به جهت پاک بودن ذاتشان و به خاطر استعداد نورانی داشتن، از معلم بشری بی نیازند، چون ذات آنها با انوار معرفت و هدایت تکمیل شده است و بر عکس بعضی نفوس آنچنان جوهر ذاتشان تیره و کدر است که هیچ تعلیمی در آنها تأثیر نمی گذارد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۲: ج ۲۸۸/۱)

از نظر وی اگر افراد عادی بخواهند از خود به سوی حق تعالی هجرت کنند، چون در ابتدای این راه بی کس و غریب هستند، باید برای طی این مسیر طولانی، استاد و راهنمایی داشته باشند، تا به آنها بگویند چگونه این راه را در درون خود بسازند و چگونه آن را بیمایند. (هانری کوربن، ۱۳۶۱: ۱۳۲) و استاد نیز باید بر اثر نزدیکی به امامان معصوم، توجه به مقصد داشته باشد و به اندازه کافی راه بلد باشد، و بداند که چه زاد و توشه و وسیله ی حرکتی برای چنین سفری نیاز است. (هانری کوربن، ۱۳۶۱: ۱۳۳) همچنین ایشان در مورد کسب فضایل به واسطه ی استاد و رهبر، تقلید را به شدت تقبیح می کند. (هانری کوربن، ۱۳۶۱: ۱۳۳) زیرا از نظر وی یک شیعه در مسائل مربوط به دین خود باید به درجه ی اجتهاد برسد و نباید تقلید کند. (هانری کوربن، ۱۳۶۱: ۱۳۷) اما ایشان در دیباچه ی کسراصنام تقلید از نیکوکاران را خوب و نیکو و باعث نجات انسان می داند و معتقد است، عمل به تقلید و اقتدا به نیکوکاران حقیقی منجر به نجات و موجب خلاصی از عذاب جهنم و وصول به نتایج خوبی های بهشت می گردد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۳)

گفتنی است که از نظر ملاصدرا تنها یافتن استاد کافی نیست، بلکه بسیار مهم تر از آن، نوع ارتباط و نسبت بین سالک و استاد است. سالک باید هرچه شیخ و مراد می گوید، بی چون و چرا تبعیت کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ج ۷۴۶/۲) و مرید در دست مراد باید چونان جسد بی جان مرده در دست مرده شوی باشد، که از خود هیچ اراده ای ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ج ۷۴۷/۲) و یا باید مانند ریسمان، به استاد خود چنگ بزند و مثل نابینایی که در ساحل دریا خود را به راهنما می سپارد به دنبال او برود، و در ورود و خروج، هیچ مخالفتی با او نکند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۳۶) صدرالمتالهین در نهایت به این نتیجه می رسد که، اگر شخص مرید از مراد خود پیروی کند به جایی می رسد که، جلال حضرت ربوبی را کشف می کند و حق بر او متجلی می شود و از لطایف رحمت خداوند چیزهایی بر او آشکار می گردد که قابل توصیف نیست. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۳۹)

۵. رابطه علم و عمل در حکمت متعالیه

ملاصدرا به رابطه بین علم با عمل تاکید دارد و معتقد است که اگر آدمی می خواهد به مقام رفیع انسانیت دست پیدا کند باید به نور علم و قوت عمل این مسیر را طی کند. به نظر ایشان ممکن است انسان با پیشرفت در علم و عمل به مقام ملائکه مقرب دست یابد و یا این که با پیروی از هوای نفس به مقام پست حیوانی و اسفل السافلین سقوط کند، و با شیاطین و وحوش محشور گردد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۶: ۸۱)

همچنین از نظر صدرای شیرازی هر معرفتی، حالی و هر حالی، عملی باقی گذاشته و نتیجه ای می دهد و عکس این ترتیب هم درست می باشد، یعنی هر عملی به اثر یا حالتی در نفس و معرفتی در آن منتهی می شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۴: ج ۲/۲۰۳) وی معتقد است، مبدا عمل صالح در انسان، علاقه و گرایش به خداست که بدون علم حاصل نمی شود. هر چند عشق به خدا در بین تمام کائنات عمومیت دارد، ولی در مورد انسان با دیگر موجودات تفاوت وجود دارد و باید اعمال و حرکات و عبادات او منحصر به جانب حق باشد. بنابراین از نظر ایشان عملی صالح است که منجر به تقرب به حق می شود و باید مقصود در آن، حق تعالی باشد و نه چیز دیگر. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۴: ۱۵۵)

از نظر وی، ایمان جز به واسطه عمل به ارکان، کامل نمی شود و عمل به ارکان نیز جز با واسطه معرفت و نیت دل، ارزشی ندارد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۴: ج ۲/۳۸۲) بنابراین بعضی از اعمال و از جمله، ایمان تقلیدی (ایمان عوام الناس) که از روی علم و دانش نباشد با اندک شبهه ای از بین می رود، چون بدون اندیشه و علم، هر آنچه را می شنود تصدیق می کند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۴: ج ۲/۲۰۵)

درباره ی رابطه ی تنگاتنگ علم و عمل با کمال نفس باید گفت که، خلاص شدن انسان از ظلمات و به مقام اعلی رسیدن، تنها به نور علم و قدرت عمل میسر می شود، که منظور از عمل تصفیه باطن و تطهیر قلب است، و منظور از علم، علم الهی و علم مکاشفات است که موجب روشن شدن صور حقایق و تقرب به حق تعالی می شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۶: ۸۲)

از نظر صدرا، اکتساب علوم حقه و فعل حسنات در دنیا منتج به استقرار اخلاق و ملکات و نفوذ معارف و اعتقادات می شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۴: ج ۶/۱۹۸) ایجاد یک نوع ارتباط دوطرفه بین علم و عمل است که از یک طرف عمل الهی و سلوک سالک که به تصفیه دل می انجامد، باعث ایجاد علم حقیقی می شود و از طرف دیگر علم حقیقی،

نسبت علم و معرفت با فضایل و رذایل اخلاقی ... (حسین فراشیانی و دیگران) ۱۳۱

عمل صالح ایجاد می‌کند؛ یعنی هر درجه از یکی، درجه‌ای بالاتری از دیگری ایجاد می‌کند. و به این ترتیب سالک و طالب حقیقت، در مراتب وجودی، درجه به درجه بالاتر می‌رود و این بدان معناست که بالارفتن در مراتب وجود و سیر کمالی، جز به مدد علم و عمل امکان پذیر نیست. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۴: ج ۲۹/۵)

۶. فضیلت بودن علم و رذیلت بودن جهل از نظر ملاصدرا

صدرالمتألهین معتقد است که علم، فضیلت است و باعث بالا رفتن رتبه‌ی وجودی انسان می‌شود و حتی او اخلاق را متناظر با علم مرکب می‌داند و در مقابل آن قطعاً جهل رذیلت محسوب می‌شود. (داوری اردکانی، ۱۳۸۹: ۱۳۶) وی کسانی را که در علم و عمل ناقصند را تیره بخت می‌داند و این جاهلان را به شدت نکوهش می‌کند، و در مقابل دانایان و صاحبان علم الهی را افراد باهوشی می‌داند که به سعادت دست یافته‌اند از نظر او ناقصان علم و عمل، در منجلا ب هوای اجسام فرو رفته‌اند و در جستجوی لذت‌های حسی غرق گشته‌اند و در فروگاه‌های شهوات حیوانی سقوط کرده‌اند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۴: ۱۷۵)

صدرالمتألهین شیرازی جهل را مهم‌ترین عامل بی‌اخلاقی دانسته (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۶: ۹۶) و آن را جزء امراض نفوس و بیماری‌های قلبی می‌داند که برای درمانش باید به انبیاء و اولیاء الهی مراجعه کرد، زیرا بزرگترین مرض نفوس جهل و نادانی است، خصوصاً جهلی که نافذ و راسخ شده باشد. اما مبتلایان به این بیماری نفس آزار و دردآور، بیشتر کسانی هستند که یاد خدا را فراموش کرده و از شناخت خداوند و چگونگی صفات و افعال او، روی گردانند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۴: ۶۲)

طبق یک قاعده‌ی عقلی و فلسفی علم و آگاهی به آنچه معلول و مسبب است جز از طریق علم به علل و اسباب آن‌ها تحقق نمی‌پذیرد. اکنون با توجه به اینکه وجود خداوند علت اصلی و غایت قصوای همه‌ی امور است باید به این حقیقت اعتراف کرد که اگر کسی نسبت به وجود خداوند جاهل باشد، نسبت به همه‌ی امور جاهل خواهد بود، و این همان چیزی است که می‌توان هلاکت واقعی به شمار آورد. (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۶: ج ۳/ ۱۰۳)

وی همچنین انسان را دارای صورتی باطنی می‌داند که ارکان آن، شامل قوه غضب، علم، شهوت و قوه عدل است، و معتقد است که اگر بین این قوا اعتدال برقرار شود، حسن

خلق که افضل فضایل اخلاقی است، حاصل می‌شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳: ج ۹/ ۱۱۸) وی قوه علم را از بهترین قوا می‌داند که انسان با آن می‌تواند بین زشت و زیبا و حق و باطل تمایز قائل شود، و اعتدال آن باعث ایجاد حکمت می‌شود، که ریشه تمام فضایل و سرچشمه تمام خیرات است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳: ج ۹/ ۹۰)

ایشان کفر را نوعی جهل مرکب می‌داند که در واقع، حجاب حقیقت نیز به شمار می‌آید، در عین حال به این حقیقت نیز واقف است که ایمان نوعی نور عقلی است که، انسان در پرتو این نور عقلی از مرحله قوه و نقص به مقام فعلیت و کمال ارتقا می‌یابد، این نور عقلی همان عقل بالفعل است. (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۶: ج ۳/ ۱۰۴) همچنین وی حقیقت ایمان را نور عقل می‌داند و بین عقاید دینی خود و آنچه آن را حکمت متعالیه می‌نامد هیچ تفاوتی قائل نیست، او علم واقعی را علم الهی می‌داند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۳)

ملاصدرا مسدود کردن باب معرفت الهی توسط انسان را از بزرگترین کبیره‌ها می‌داند، بعد از آن کبیره‌ی بستن باب حیات بر نفوس بندگان است و دیگری کبیره‌ی بستن معیشت و زندگی بر انسانها می‌باشد. از نظر وی در بین گناهان از کفر بالاتر وجود ندارد زیرا همانگونه که ایمان برترین فضیلت است جهل نیز حجاب بین خداوند و بندگان است. (ملاصدرا، ۱۳۶۰: ۳۷۴) بنابراین از نظر وی می‌توان به این نتیجه رسید که کفر بالاترین مرتبه‌ی جهل است.

۷. موانع دستیابی به سعادت و کمال و معرفت حقیقی از نظر ملاصدرا

اگر انسان به صفات حیوانی و درنده‌خویی و اخلاق زشت و شیطانی آلوده شود، دیگر نمی‌تواند به معرفت حقیقی دست یابد، مگر اینکه ابتدا نفس خود را تزکیه و تهذیب نماید و بعد از آن به کسب معرفت حقیقی بپردازد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۷: ج ۲/ ۱۴۰)

از نظر ملاصدرا عوامل جهل و تهی بودن نفوس انسان‌ها از علم و معرفت حقیقی، متعدد است:

اول اینکه ذات نفس ناقص است، مانند نفوس کودکان و ابلهان که هنوز از مرحله قوه به فعلیت نرسیده‌اند و مجاهدت‌های فکری و عملی و دینی و عقلی را انجام نداده‌اند. (ملاصدرا، ۱۳۶۴: ۴۰)

دوم اینکه سطح قلب را کدورت‌های گناهان و زیادی شهوات و خطاها پوشانده است. که این امر مانع جلای نفس و ظهور حق و شهود حقیقت می‌شود. زیرا ارتکاب هر گناهی

نسبت علم و معرفت با فضایل و رذایل اخلاقی ... (حسین فراشیانی و دیگران) ۱۳۳

در انسان خسران و کمبودی پدید می‌آورد که رفع آن امکان پذیر نیست. (ملاصدرا، ۱۳۶۴: ۴۱)

سوم اینکه اینک که قلب در جهت حقیقت مورد نظر قرار نگیرد و به آن توجه نکند. و هر چند که قلب فرمانبردار و صالح و صاف و بی‌زنگار است ولی چون او طالب حق نیست، بنابراین جلوه‌ی حق در او آشکار نمی‌شود، و در نتیجه چیزی از حقائق بر او منکشف نمی‌گردد، جز همان آفات اعمال که درباره‌ی آن‌ها می‌اندیشد. (ملاصدرا، ۱۳۶۴: ۴۱)

چهارم وجود حجاب است. مثلاً ممکن است انسان شهواتش را سرکوب و تحت فرمان درآورده باشد، ولی به جهت تقلید ظاهری، بین او و حقیقت پرده‌ای ایجاد می‌شود که مانع انکشاف چیزی در قلب او می‌گردد. (ملاصدرا، ۱۳۶۴: ۴۲)

پنجم، جهل و نادانی است به آنچه که موجب رسیدن به مطلوب می‌شود. که اگر انسان دانش‌هایی را که آموخته به یاد بیاورد و در نفس خود به ترتیب مخصوصی بچیند، چه بسا که در این هنگام حقیقت مطلوب در قلب او متجلی شود. (ملاصدرا، ۱۳۶۴: ۴۲)

ایشان همچنین از مهمترین موانع معرفت و عامل شقاوت و بدبختی جانکاه را، زن دوستی و شهوترانی به وسیله هم‌خوابی و معاشرت بسیار با زنان می‌داند، زیرا امور مربوط به شهوات جنسی و معاشرت با زنان، بویژه زنان غیر مؤمن و متظاهر به زیبایی، برای به دام انداختن جوانان و مردان ثروتمند از مهمترین عوامل و علل شقاوت می‌باشد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۱۱۹)

ملاصدرا یکی دیگر از موانع کمال و سعادت انسان را اخلاق زشت می‌داند که مانع از رسیدن نفس به کمال عقلی می‌شود، مانند بخل، ترس، اسراف، کبر و عجب و همچنین کارهای زشت مانند ظلم، قتل دشمنانه و عمد، زنا، غیبت، سخن‌چینی، فحش و شیهه اینها. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸: ج ۶۱/۷) وی نه تنها هیچ یک از این امور را، شر نمی‌داند، بلکه آنها را خیر وجودی و کمال‌اشیای طبیعی و قوای حیوانی یا طبیعی موجود در نفس انسانی می‌داند. ایشان شر بودن این امور را، در مقایسه با نیروی بالاتری که شان کمالی آن، مسلط بر قوای نفس بودن است، می‌داند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸: ج ۶۱/۷)

بنابراین می‌توان گفت که به طور کلی از نظر ملاصدرا، رذایل اخلاقی و معصیت‌ها بزرگترین موانع رسیدن نفس انسان به کمال و سعادت و معرفت حقیقی است، زیرا اهل شقاوت دارای حجابی عظیم هستند که امکان نیل به سعادت حقیقی در آنها بسیار کم است، و گرفتار عذابی دردناک می‌باشند.

۸. معرفت از راه شهود و استدلال در حکمت متعالیه

از دیدگاه صدرالمتهلین، برای رسیدن به واقعیت و درک حقایق وجودی، دو راه وجود دارد، که یکی طریقه اهل استدلال و برهان است. سالک این راه به واسطه تحصیل صور علمی حاکی از واقع، به حقایق می‌رسد، ولی بین او و واقع صورتی حائل و حاجب است. که این علم، یعنی علم حاصل از این طریق را علم الیقین نام نهاده‌اند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۶) راه دیگر برای رسیدن به حقایق و معرفت، راه عرفا و ارباب کشف است، که این طریقه ی انبیاء و اولیاء نیز می‌باشد. سالکان این طریق، به چشم دل ملکوت سماوات و ارض را شهود می‌نمایند و به واسطه ی اتصال به ملکوت و باطن حقایق که عوالم عقول طولیه و عرضیه و مقام اسماء و صفات حق باشد، به حقایق این عالم واقف می‌شوند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۶)

معرفت هم از طریق کشف و شهود و هم از طریق استدلال امکان پذیر می‌باشد، ولی ملاصدرا راه کشف و شهود را برتر از استدلال و برهان می‌داند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۳)

دلیل برتری طریقه‌ی اهل سلوک و مشرب اهل کشف و شهود، بر طریقه‌ی اهل انظار و برهان، از نظر ملاصدرا این است که:

عقل استکمال یافته به واسطه ی حکمت نظری و عملی و قلب عارف سالک به واسطه‌ی صفای تام و استعداد کامل، محل تابش و طلوع حقایق غیبی است به نحو صرافت و وحدت، قلب و روح متصل به افق اعلی، حقایق وجودی را عاری از تعینات و حدود لازمه تنزل شهود می‌نماید و به حاق و وجود خارجی و حقیقت اصلیه معلوم می‌رسد و بین او و واقع حجابی وجود ندارد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۵)

دلیل دیگری که ملاصدرا طریقه ی سلوک و کشف و شهود را، بر طریقه براهین صرف، ترجیح می‌دهد این است که، حقایق علوم و معارف در عالمی خارج از عالم ماده و زمان، وجود دارد، از نظر وی، مخزن و معدن علوم و معارف حقیقی، که همان معرفت انکشافی و شهودی است، مراتبی دارد، که یکی از آن مراتب عالم برزخ است، و مرتبه دیگر، عالم عقول عرضیه و طولیه و عوالم ملائکه مجردة صرف است، مرتبه اعلای معارف، مقام واحدیت و احدیت وجود است، علوم و حقایق در این دو موطن علمی، صاف و معرراً از کدورات است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۳)

همچنین از نظر ملاصدرا یکی از مسائل ضروری و مهمی که باید به آن معرفت پیدا کرد، ایمان به آخرت است، که اکتساب آن از طریق معرفت شهودی و یقین و برهان ممکن است، که البته افراد کمی از این راه رفته اند، از نظر وی حتی اغلب دانشمندان از طریق تقلید به آن دست یافته اند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۶: ۶۱)

در این باره ایشان معتقد است، معرفت دنیا و آخرت و بهشت و دوزخ و معرفت ملائکه و جن و روح و کروییین و احوال معراج و معیت حق تعالی با کل موجودات و همچنین سیر معراج و طی سموات و نظائر اینها از علوم مکاشفات است که عقل ارباب فکر و اهل نظر از ادراک آن عاجز است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۶: ۶۱) از نظر وی، مؤمن واقعی به اندازه‌ی نور ایمان و عرفانش که همان علم شهودی است، راه کمال و سعادت را می‌پیماید، تا این که به مقصود اصلی می‌رسد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۶: ۶۲)

صدرالمتالهین ملاک حصول علم، چه علم به جزئیات و چه علم به کلیات را، اتحاد نفس با صورتی در عالم برزخ و مثال و معنا و حقیقتی در عالم عقل صرف می‌داند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۶، ص: ۴)

در نهایت ملاصدرا، برای تحصیل علم و معرفت، دو راه کشف و شهود و برهان و استدلال را با هم جمع نموده است و لذا حکمت متعالیه وی مشتمل بر کاملترین برهان‌ها و نفیس‌ترین قواعد کشفی و شهودی می‌باشد.

۹. نقش علم در افعال اخلاقی و رسیدن به معرفت الله

صدرالمتالهین معتقد است، علم باعث تهذیب نفس و در نهایت عامل دستیابی انسان به تمام فضیلت‌های اخلاقی موجود در عالم هستی می‌شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ج ۱۵۷/۷) از نظر ایشان هر اندازه که علم و معرفت و حکمت برای نفس انسان به وجود بیاید باعث کمال نفس انسان شده و انسان را فاضل‌تر می‌کند. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ج ۱۱۵/۴) وی یکی از علت‌های اساسی تزکیه و تهذیب نفس و در نهایت رسیدن به معرفت الهی را، تلاش انسان در کسب حکمت و علم می‌داند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۲: ۴۷۶)

از دیدگاه ملاصدرا وقتی که انسان راه الهی را به نور معرفت و علم و ایمان پیماید، و اراده اش در اراده خداوند فانی شود، از نظر معنوی پیشرفت کرده و راضی به قضای الهی می‌شود، و رحمت و واسع‌ه الهی را در هر چیزی مشاهده می‌کند، و در اوج لذت معنوی

قرار می‌گیرد، و صورت تمام عالم، نزدش حاضر شده و به بهترین شکل از حیث علم و معرفت، به خداوند و اسماء و صفات او نظاره‌گر می‌شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۴۳۸)

ملاصدرا درباره‌ی علم ظاهر و عمل ریاکارانه و بدون علم هشدار داده و آن را عامل شقاوت می‌داند و بیشتر محنت‌هایی که بر معصومین علیهم السلام تحمیل شده را ناشی از همین نوع می‌داند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۱۱)

بنابراین معرفت و دانش حقیقی، عامل بیشتر فضایل اخلاقی و سد عظیمی در مقابل رذایل اخلاقی می‌باشد. زیرا تمام مصیبت‌هایی که به اولیای الهی رسیده است، از جانب انسان‌های به ظاهر اهل علم و تقوی بوده است، به طوری که شهادت حضرت علی علیه السلام توطئه‌ی ابو موسی اشعری و نفاق عمرو بن عاص، و شهادت امام حسین علیه السلام را مکر و نفاق عده‌ای منافق می‌داند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۱۱)

از نظر وی، عالم حقیقی، عالم بالله و امرالله است، که معرفت الهی در قلب او رسوخ کرده و غرق در مشاهده‌ی نور جلال و کبریایی حضرت حق است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۱۱)

بنابراین نفوسی به معرفت الهی و تکامل و صعود دست می‌یابند که با ابزار علم و ایمان به کسب فضایل اخلاقی و تقویت قوای عقلانی پردازند. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ج ۹/۹۳)

۱۰. بسط وجودی انسان به واسطه‌ی علم و عمل

ملاصدرا در شرح زادالمسافر علاوه بر دیدگاه خود به نظر دیگر دانشمندان از جمله ابن سینا و سهروردی، درباره‌ی بسط وجودی انسان به واسطه‌ی علم و عمل پرداخته است. جهت روشن شدن بهتر مطلب ابتدا نظر این دو دانشمند اسلامی را و در ادامه نظر صدرالمتالهین را می‌آوریم.

از نظر ابن سینا، اگر نفسی، در علم ناقص باشد و قوه عقلانی خود را به علومی که منجر به سعادت عقلانی در آخرت می‌شود مجهز نکرده باشد، و نفس ناطقه اش را از قوه به فعلیت نرسانده باشد، در عمل نیز ناقص خواهد بود. چون عمل بدون علم قطعاً نافع نخواهد بود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۹: ۹۶) چنین نفسی بعد از اینکه از بدن جدا شد و به عالم آخرت مراجعه کرد، به عذابی دردناک که از نظر شدت در سراسر وجود، با چیزی

نسبت علم و معرفت با فضایل و رذایل اخلاقی ... (حسین فراشیانی و دیگران) ۱۳۷

قابل مقایسه نباشد دچار خواهد شد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۹: ۹۶) وی معتقد است، اگر نفسی در علم کامل، ولی در عمل به واسطه ملکات متضاد با جوهر نفس، کامل نباشد، بعد از جدایی از بدن، به جهت نازل وجود خود تمایل پیدا می کند، ولی اگر همین نفس در عمل هم کامل شود و ملکه عدالت و اخلاق در او به وجود بیاید، چون از قوای شهوانی و غضبی رهایی می یابد بعد از مرگ، با تمام وجودش به ملکوت اعلا می پیوندد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۹: ۱۰۲)

صدرالدین، نقش علم و عمل در بسط وجودی انسان را از قول شیخ شهاب الدین سهروردی نیز این گونه بیان می دارد که، اصحاب شقاوت، یعنی کسانی که اهل آتشند و توجهشان به خاطر نقص در علم و عمل به دنیا است و در شهوات حیوانی غرق شده اند، به جهنم واصل خواهند شد، بنابراین هر کسی توجهش فقط دنیا باشد، در آخرت نجات نخواهد یافت و نفوس آنها بعد از مرگ، با صور ظلمانی منشا عذاب، محسور خواهد شد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۹: ۱۱۸)

اما از نظر صدرا، معرفت و حکمت که باعث بسط وجودی انسان می شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ص: ۳۴۰) وی معتقد است، گستره درجات بهشت، از اعمال انسان حاصل می شود و هر چقدر که نفس انسان در عمل، کارهای نیکو و پسندیده انجام دهد، درجات او در عالم مثال، بالاتر می رود و لذت هایی که به خاطر این اعمال، نصیب او می شود هم بیشتر، و نفس او منزّه تر شده، و روح او از تعلق به دنیا و شهوات نفسانی رهایی می یابد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۹: ۲۰۳)

وی معتقد است اگر انسان با علم و عمل به سمت کمال نرود، از هر حیوانی پست تر خواهد شد، زیرا بدون علم و عمل، ممکن است انسان به دنبال هوی و هوس های دنیایی و اطاعت از شیطان برود و در تاریکی و دوری از خداوند متعال قرار گرفته و کافر شود و به جایگاهی سقوط می کند که مصداق آیه «کالانعام بل هم اضل» (اعراف- ۷۹) شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۷۱۶) زمانی که از سقوط یا صعود انسان سخن به میان می آید، منظور سقوط یا صعود معنوی انسان است و زمانی هم که از زندگی و حیات انسان صحبت می کنیم منظور زندگی معنوی یا مرگ معنوی انسان است، زیرا انسان به ظاهر سالم، ممکن است دچار مرگ معنوی شده باشد و سقوط کند. (همان، ص: ۷۱۸)

از نظر ایشان، انسان با پیشرفت در علم و عمل می تواند از درجات پست و حیوانی به اعلی علیین و بالاترین مقامات و درجات ملائکه نائل شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۶: ۹۶)

و هر چه انسان در مرتبه‌ی بالاتری از عقلانیت قرار داشته باشد از سعه و جودوی بیشتری برخوردار خواهد بود و در نتیجه، اخلاقی‌تر خواهد شد، چرا که سعه عقلانی او گسترش یافته و همه قوای دیگر نفس را تحت تسلط و فرمان خویش در می آورد. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹: ج ۱/۱)

بنابراین می‌توان گفت که از دیدگاه صدرالمتألهین، تا وقتی انسان در مرتبه حیوانات زندگی می‌کند و تا زمانی که به این جهان ناپایدار دل خوش داشته باشد، زندگی معنوی درباره او مصداق نخواهد یافت و هیچ سعه‌ی وجودی در او اتفاق نخواهد افتاد.

۱.۱. ارادی بودن فضایل معرفتی از نظر ملا صدرا

خداوند متعال انسان را، به گونه‌ای خلق کرده است که به سوی فضائل اشتیاق دارد، که این خصوصیت هم به صورت ارادی و هم به شکل فطری در تمام انسان‌ها نهفته است، هرچند ممکن است عده‌ای بر خلاف ذات و طبیعت خود عمل نمایند.

بنابراین از نظر ملا صدرا اشتیاق و اراده در انسان، نقش موثری در کسب فضایل یا رذایل اخلاقی دارد به گونه‌ای که اگر اشتیاق و اراده، با هم متحد شوند، منجر به صدور افعال (فضایل یا رذایل) خواهد شد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶: ۳۰۱)

همچنین وی معتقد است که هر موجود پستی، وقتی موجود عالی را تصور کند، به او اشتیاق پیدا کرده و از روی طبع و اختیار طالب او می‌شود. این اشتیاق اگر از روی غایت طبیعی نباشد، گذاشتن آن در نهاد انسان کاری بیهوده است، بنابراین برای هر سافلی امکان رسیدن به آنچه که برتر از آن است وجود دارد و این امکان یا فقط ذاتی است، که آن در صورتی است که در مبدعات باشد و یا اینکه استعدادی است و این هم در صورتی است که در موجودات باشد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۷: ۱۰۵)

از نظر ایشان هرچند انسان، زمینه کسب فضایل اخلاقی و معرفتی را دارد، ولی انگیزه‌ای برای کسب معرفت و علوم الهی ندارد، زیرا خود را مشغول امور دنیوی نموده و این امور را از دستیابی به معرفت الهی باز داشته است. پس هرچند زمینه و بستر کسب فضائل و معارف الهی در انسان وجود داشته باشد، ولی به تنهایی کافی نیست، و انسان باید برای اکتساب آن علوم، اراده نموده و اقدام نماید (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶: ۴۱)

به اعتقاد صدرالمتألهین، خداوند تبارک و تعالی، غایت هر چیزی است، همچنان که فاعل هر چیز است چون او خیر محض است، و مطلقاً شر و بدی در او راه ندارد، و هر چه که

نسبت علم و معرفت با فضایل و رذایل اخلاقی ... (حسین فراشیانی و دیگران) ۱۳۹

خیر محض باشد هر چیزی را، چه از جهت طبع و چه از جهت اراده می طلبد و این چیزی است که در نهاد تمامی عالم چه جزئیات و چه کلیات و چه محسوسات و چه معقولاتش نهفته است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۴)

از دیدگاه ملاصدرا عدم پذیرش یا قبول فضایل و رذایل اخلاقی برای انسانها یکسان است و ترجیح دادن هر کدام از آنها به دیگری بر اساس اراده انسان، بستگی به پیروی از هوا و هوس و یا دوری کردن از آن دارد. بنابراین اگر انسان از شهوت و غضب پیروی کند، شیطان بر او مسلط می شود. ولی اگر با شهوات مبارزه کند و به اخلاق ملائکه گرایش پیدا کند، قلب او محل نزول ملائکه خواهد شد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۲: ۲۸۳)

وی همچنین معتقد است که علاوه بر اراده انسان، خداوند نیز باید انسان را از پرتگاه‌ها نجات دهد، از نظر ایشان، مردم از غضب، شهوت، حرص، طمع و امثال آن دور نیستند، و هیچ نفسی نیست که شیطان به وسوسه آن نپردازد، مگر آنکه خداوند او را نگه دارد، بنابراین اکثر نفوس انسان‌ها را، یاران شیطان تسخیر کرده‌اند، و تفاوت انسانها با یکدیگر نیز به خاطر تبعیت و یا سرپیچی از وسوسه شیطانی است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۲: ۲۴۱)

۱۲. رابطه ایمان حقیقی با علم و فضایل اخلاقی از نظر ملاصدرا

از نظر ملاصدرا ایمان حقیقی که علم تام و تعین کامل به خدا و ملائکه مقربین و کتاب های خدا و انبیای خدا و ایمان به روز آخرت می باشد، عبارت است از نوری تابنده از جانب خداوند بر نفس انسانی است، «نورُهُمْ یَسْعَى بَیْنَ أَعْيُنِهِمْ وَ بِإِيمَانِهِمْ» (التحریم - آیه ۸) که این نور همان نور نبوت در پیامبر (ص) و نور الهام و ولایت در ولی است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۷: ج ۳/۲۰۳)

ایشان همچنین برای اثبات ادعای خود درباره ی اینکه ایمان حقیقی و علم تام، خیر کثیر و فضل الهی است به آیه: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (بقره - آیه ۲۶۹) و آیه «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (حدید - آیه ۲۱) استناد می کند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۴: ۷)

همچنین وی اصل همه خوشبختی‌ها و نیکی‌ها را کسب حکمت حقیقی می داند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۲) و منظور وی از حکمت حقیقی، علم به خداوند، صفات، افعال، و روز قیامت و مقامات آن است، ایشان این امور را، ایمان حقیقی و خیر

کثیر می‌داند، که در مقابل آن کفر و گمراهی قرار دارد، یعنی اگر انسان به این علوم جاهل باشد قطعاً گمراه خواهد شد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۲)

از نظر ملاصدرا مؤمن باید با دانش الهامی کشفی و یا برهانی، به شناخت خدا، افعال و صفات و... نائل شود، چنان که خداوند بدان اشاره کرده که، پیغمبر به آنچه از طرف پروردگارش بر او نازل شده، ایمان دارد و مؤمنان نیز همگی به خدا، فرشتگان، کتاب‌ها و پیامبران او ایمان دارند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۲۳)

وی معتقد است که، شناخت صحیح و دقیق، انسان را وادار به پرهیزکاری و از بین بردن اخلاق ناپسند و به طور کلی رذایل اخلاقی می‌کند، که در این صورت، درهای عالم غیب به روی انسان گشوده شده و قلبش عرصه ظهور فرشتگان می‌گردد، و اگر دل از معرفت حقیقی خالی و از جهل و بی‌خردی پر و مملو باشد، انسان از راه حق منحرف گشته و به دنبال آن، ابواب غیب به رویش بسته می‌شود، و در نتیجه هوای نفس بر او غالب و چشم عقلش کور می‌گردد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۷: ۱۰۸)

لازم است این نکته را نیز اشاره کنیم که اگر چه از نظر ملاصدرا، قوت و استکمال قوه نظری، نتیجه‌ی مترتب بر آموزش علوم است، لیکن این نتیجه‌ی غایت وسطی است و غایت نهایی همان ایمان است که مربوط به عقل عملی است. (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۵۸)

۱۳. نتیجه‌گیری

از دیدگاه ملاصدرا علم تام نوری است که از جانب خداوند بر نفس انسان می‌تابد و معرفت حقیقی، شناخت حضرت محمد(ص) که همان حقیقت محمدیه است می‌باشد، که در سایه این شناخت است که خداوند شناخته می‌شود، و انسان موفق به کسب فضایل اخلاقی می‌گردد و بین ظاهر و باطن او تناسب برقرار می‌شود. بنابراین به نور علم است که انسان می‌تواند از ظلمات و رذایل رهایی یافته و به فضایل و صورحقایق و کمال حقیقی و مقام رفیع انسانی نایل شود. و تنها به واسطه موانعی چون جهل (که جزء بزرگترین امراض نفوس است) و کدورت‌های گناهان و شدت شهوات است که از کمال حقیقی باز می‌ماند، زیرا رذایل اخلاقی با کمال حقیقی انسان سنخیت ندارد و قلب انسان را شقی و آلوده می‌کند به طوری که انسان دیگر نمی‌تواند به سمت استکمال حرکت کند، لذا از هر حیوانی پست تر و نازل تر می‌شود.

همچنین از مهمترین دغدغه های دانشمندان جهان، شناخت و تبیین مفاهیم اخلاقی می باشد، زیرا بر رفتار انسانها و ارتباط نیکو بین آنها تأثیر به سزایی دارد. و چون زندگی و حیات انسانی در همین عالم ماده خلاصه نمی شود، لذا انسان برای دست یافتن به کمال حقیقی باید نسبت به فضایل و رذایل اخلاقی شناخت و آگاهی کامل داشته باشد. در همین مورد، از سوی دانشمندان جهان، راه کارهای فراوانی ارائه شده است که تنوع آنها به اندازه ای زیاد می باشد که به جهت ناقص بودن، در سطح جهانی قابل احرا نیست. اما روش ملا صدرا به عنوان یک حکیم متاله و فیلسوف عارف و مسلمان که بخش زیادی از آثار خود را به رهنمودهای اصلاحی و تهذیب نفس و تنظیم روابط انسان ها با یک دیگر اختصاص داده است، تقریباً روشی کامل و بدون نقص می باشد. لذا به دست اندرکاران نظام تعلیم و تربیت اسلامی توصیه می شود تا بر اساس نظرات کارآمد و عملی ملاصدرا که بیشتر برگرفته از آیات قرآن کریم و روایات است، اقدام به تدوین یک طرح کلی و عملیاتی درباره نظام اخلاقی اسلام در سطح جهانی نمایند و از نگاه جزئی و فردی و انحصارگرایانه، به فضائل و رذائل اخلاقی پرهیز کنند، تا اینکه این نظام اخلاقی جایگزین نظام های ناقص و ناکارآمد اخلاقی جهان شود، و بتواند نیکبختی دنیوی و سعادت غایی بشر را تامین نماید.

کتابنامه

قرآن کریم

ابراهیمی دینانی، غلامحسین، (۱۳۷۶) ماجراهای فکر فلسفی در جهان اسلام، ۳جلد. تهران، انتشارات طرح نو

آشتیانی، سید جلال الدین، (۱۳۴۰) شرح حال و آراء فلسفی ملاصدرا، مشهد، چاپخانه خراسان
آشتیانی، سیدجلال الدین، (۱۳۵۹) شرح بر زاد المسافر ملاصدرا، تهران، انتشارات انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۲) شرح حکمت متعالیه، تهران انتشارات الزهراء
جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۵) ریحیق مختوم شرح حکمت متعالیه، بخش از جلد ۱، قم، انتشارات مرکز نشر اسراء

داوری اردکانی، رضا، (۱۳۸۹) فلسفه تطبیقی، تهران، انتشارات سخن
صدرالدین شیرازی محمدبن ابراهیم، (۱۳۶۷) شرح اصول کافی، ترجمه و تصحیح محمد خواجوی، ۳جلد، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی

- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۰) **الشواهد الربوبیه فی مناهج السلوکیه**، تصحیح و تعلیق و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۱) **الحکمه العرشیه**، تصحیح متن و ترجمه غلامحسین آهنی، تهران، انتشارات مولی
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۳) **المشاعر**، تهران، کتابخانه طهوری
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۶) **الشواهد الربوبیه فی مناهج السلوکیه**، ترجمه و شرح جواد مصلح، تهران انتشارات سروش
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۰) **اسرار الایات**، مقدمه و تصحیح محمد خواجه‌جوی، تهران، انتشارات انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۴) **تحریر ایفاظ النائمین**، تحریر عبدالله جوادی آملی، ۲ جلد، قم انتشارات مرکز نشر اسراء
- صدرالدین شیرازی، محمد ابراهیم، (۱۳۴۰) **رساله سه اصل**، به انضمام منتخب مثنوی و رباعیات او، تصحیح سیدحسین نصر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- صدرالدین شیرازی، محمد ابراهیم، (۱۳۶۲) **مفاتیح الغیب**، تصحیح محمد خواجه‌جوی، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات نشر دانشگاهی
- صدرالدین شیرازی، محمد ابراهیم، (۱۳۷۶) **رساله سه اصل**، تصحیح محمد خواجه‌جوی، تهران، انتشارات مولی
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۴) **تفسیر القرآن الکریم**، تصحیح محمد خواجه‌جوی، ۷ جلد، تهران انتشارات بیدار
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۴) **کسر الاصلنام الجاهلیه**، ترجمه محسن شفائی، تهران، انتشارات چاپخانه حیدری
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۸) **الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه**، ۹ جلد، تهران، انتشارات حیدری
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۷) **مشاهد الالوهیه یا شرح کبیر بر شواهد الربوبیه فی مناهج السلوکیه**، شرح و تحقیق غلامحسین رضائزاد، ۳ جلد، قم، انتشارات آیت اشراق
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۹۸۱) **الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الأربعة**، ۸ جلد، بیروت، داراحیاء التراث العربی
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۲) **مبدا و معاد**، ترجمه احمد بن محمد الحسینی اردکانی، به کوشش عبدالله نوری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۳) **الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه**، تصحیح و مقدمه مقصود محمدی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا

نسبت علم و معرفت با فضایل و رذایل اخلاقی ... (حسین فراشینی و دیگران) ۱۴۳

صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، (۱۳۶۲) تفسیر سوره نور، تهران، انتشارات مولی
صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، (۱۳۸۲) شرح و تعلیقه بر الهیات شفا، تصحیح و مقدمه نجف قلی
حبیبی، جلد ۱، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا
صدرالمطالین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۷۷) رساله حدوث العالم یا کتاب آفرینش، ترجمه
و تصحیح محمد خواجوی، تهران، انتشارات مولی
لاهیجی، ملا محمد جعفر، (بی تا) شرح رساله المشاعر ملاً صدرا، تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، قم،
مکتب الاعلام الاسلامی
مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۱) فلسفه اخلاق، تحقیق احمد حسین شریفی، قم موسسه آموزشی امام
خمینی

نصر، سید حسین (۱۳۸۹) سه حکیم مسلمان، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
هانری، کربن، (۱۳۶۱) ملا صدرا، ترجمه ذبیح الله منصوری، تهران، انتشارات جاویدان

